

راهبردهای جلوگیری از کاهش جمعیت/ دلایل به تعویق انداختن فرزندآوری

نشست تخصصی جمعیت با حضور مریم اردبیلی کارشناس مسائل زنان و خانواده و حسین مروتی، پژوهشگر حوزه جمعیت برگزار شد.



نشست تخصصی جمعیت با حضور مریم اردبیلی کارشناس مسائل زنان و خانواده و حسین مروتی، پژوهشگر حوزه جمعیت برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، اولین نشست تخصصی جمعیت صبح روز سه شنبه چهاردهم مرداد ۱۳۹۹ در محل پژوهشکده دفتر قم برگزار شد. در این نشست مریم اردبیلی کارشناس مسائل زنان و خانواده و حسین مروتی، پژوهشگر حوزه جمعیت حضور داشتند و به بررسی مسائلی از قبیل آخرین وضعیت نرخ رشد، سطح جانشینی، نرخ باروری و زاد و ولد و مرگ و میر براساس آمارهای رسمی در کشور، اخذ الگوهای مطلوب در راستای سیاستهای جمعیتی، راهبردهای افزایش نرخ باروری، خرافه های بار شده از طرف نهاد های سیاستی و بهداشتی بر جامعه که باعث کاهش جمعیت شده، پارادایم های حاکم بر نگاه افزایش فرزندآوری و در آخر مبحثی راجع به زنان پرداختند. در ادامه گزارشی از این نشست را می خوانید؛

مروتی در خصوص ارزیابی آخرین وضعیت نرخ رشد، سطح جانشینی، نرخ باروری و زاد و ولد و مرگ و میر براساس آمارهای رسمی در کشور گفت: اولین سرشماری جمعیت در سال ۱۳۵۵ انجام گرفت و بعد از آن تا سال ۱۳۸۵ هر ۱۰ سال یک سرشماری داشتیم. در سال ۱۳۴۵ مشخص شد که رشد جمعیت ۲/۱ درصد است. اگر رشد جمعیت ۲/۱ درصد بوده باشد در سال ۱۳۵۵ رشد جمعیت میرسد به ۲/۷ درصد که مقداری از آن بر میگردد به شروع کنترل جمعیت در برهه ای از طاغوت. در سرشماری سال ۱۳۴۵ تعداد فرزندی که هر مادر به دنیا می آورد، ۶/۱ دهم فرزند محاسبه شد و در بازه ۱۳۴۵ - ۱۳۵۰ به ۵/۷ فرزند می رسد. در برهه انقلاب، کنترل جمعیت تا حدودی متوقف می شود ولی در سال ۱۳۶۵ باز با افزایش باروری مواجه هستیم و نرخ باروری به ۶/۴ فرزند می رسد و رشد جمعیت هم به ۲/۹ می رسد. از این تعداد، خود متخصصین قائل هستند که ۷ تا ۸ دهم آن مربوط به مهاجرین بوده و درواقع پناهندگان افغانی و معاودین عراقی یعنی ایرانیانی که ساکن عراق بودند و صدام قبل از جنگ آنها را از عراق بیرون کرد. اگر این ۷ دهم درصد را کم کنیم می رسیم به همان ۲/۱ درصد که قبل از انقلاب هم سابقه داشته و بسیاری از حرفهایی که راجع به انفجار جمعیتی مطرح می شود را نمی توان به تغییر خاص باروری مادران ایرانی برگرداند بلکه همان نرخ سابق است.

وی افزود: در سال ۱۳۷۰ هم یک نیمچه سرشماری انجام شد. در سال ۱۳۶۸ تصمیم گرفته بودند که رشد ۶/۴ را به ۴ بچه به ازای هر مادر تا سال ۹۰ برسانند؛ ولی خیلی زود به هدفی که خواستند رسیدند و در سال ۱۳۷۱ این چهار فرزند محقق شد و بعد از این، این افق را کمتر کردند و رساندند به ۳ فرزند که قانون تنظیم خانواده در همین زمان تصویب شد و تصمیم گرفته شد به فرزند سوم دفترچه بیمه داده نشود. در سال ۱۳۷۳ عده ای از دولت ایران در گروه (icpd) کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه (قاهره شرکت می کنند و در آنجا ایران تعهد میکند که رشد جمعیت را به صفر برساند و این در صورتی محقق می شود که هر زن در طول بارداری خود کمتر از ۲/۱ فرزند به دنیا بیاورد. در سال ۱۳۷۹ این خواسته محقق می شود و نرخ باروری به حد جانشینی یعنی ۲/۱ می رسد و این شروعی است بر ورود به فاز بحران جمعیت و متأسفانه کسی تذکر نمی دهد. از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ یک بازه ۲۰ ساله قرارداد icpd اعتبار داشته. از سال ۲۰۰۰ که صندوق توسعه هزاره هست ۱۵ سال اعتبار داشته و تا ۲۰۱۵ ادامه پیدا کرده و همه اینها بخاطر صندوق توسعه پایدار ۲۰۳۰ تا ۲۰۱۵ دوباره تمدید می شود. خود این صندوق پایدار ۲۰۳۰ در همه جریان کنفرانس توسعه جمعیت قاهره است و همه کسانی که در این برهه زمانی در ایران مسئول بودند کمتر بچه داشتن را به نفع توسعه و یک مطلوبیت ذاتی برای ایران قلمداد می کردند.

مروتی ادامه داد: در سرشماری سال ۱۳۹۵ رشد جمعیت ایران رسید به ۱/۲۴ صدم درصد یعنی سالانه یک درصد به جمعیت کشور اضافه می شد. در این سال نرخ رشد جمعیت به ۱/۸ دهم تا ۱/۹ دهم رسید. هر چند مرکز آمار نرخ رشد جمعیت را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۲/۱ صدم اعلام کرده بود (با ۲/۱ دهم اشتباه نشود) که باز هم زیر حد جانشینی است. یعنی یک زوج خودشان را هم جایگزین نمیکنند و به مرور زمان طبق حرف جمعیت شناسان ظرف دو نسل رشد جمعیت ایران به صفر و بعد از آن منفی خواهد شد. بعد از سر شماری سال ۱۳۹۵ رشد جمعیت به شدت کم شد و الان رشد جمعیت کمتر از ۱ درصد است و نرخ باروری هم به ۱/۷ دهم فرزند رسیده است و علی القاعده بحث کرونا هم این مسئله را تشدید خواهد کرد و شرایط را بدتر از آن که هست خواهد کرد. راجع به مرگ و میر سالانه فکر کنم قریب به

۳۰۰ هزار نفر باشد و تعداد زاد و ولد نیز در سال ۱۳۹۴ از یک و نیم میلیون نفر رد شد و الان رسیده به کمتر از یک میلیون و دویست هزار نفر که این نشان می‌دهد که ظرف ۴ سال ۴۰۰ هزار نفر از موالید در کشورمان کم شده و این شیب خیلی تندی برای کم شدن موالید در کشورمان است. دلایل کم شدن موالید: دلایل متعددی در این زمینه وجود دارد، ولی یکی از دلایل مهمش بحث اقتصادی است که خانواده‌ها به همین دلیل بحث فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند و امسال هم علی‌القاعده بدتر خواهد شد. از جمله شواهد متقن بر این مسئله گواهی داروسازها است بر هجوم خرید قرص‌های ضد بارداری از طرف مردم ایران.

در ادامه اردبیلی ضمن اشاره به روندهای جهانی نرخ رشد جمعیت گفت: ما یک کشور منفک از روند جهانی نبودیم و کند بودن رشد جمعیت یک روند جهانی است و در ۱۰۰ سال و یا شاید ۱۵۰ سال اخیر در تمام کشورهای دنیا که می‌توانیم ارتباط دهیم با توسعه مدرنیستی که اتفاق افتاده و اولین بار از این کشورها آغاز گردید و با افزایش شاخص‌های سلامت و رفاه، در اولین قدم مرگ و میرها کم شد و در ابتدا نرخ رشد جمعیت بالا رفت و بعد از این هم خود این موضوع و هم خود سبک زندگی که همراه با مدرنیته آمد به همراه نگاه امانیستی به انسان و لذت جویی مادی، حضور زنان در بازارهای اشتغال، تحصیلات زنان، بالا رفتن رفاه، سبک زندگی و ... جوامع را به سمت کاهش نرخ باروری سوق داد تا جایی که با شروع ۷ تا ۵ فرزند رسید به زیر دو فرزند. اتفاق ویژه‌ای که برای کشور ما افتاد، این بود که سرعت این روند در کشور ما خیلی زیاد بود و اگر ما یک روندشناسی مناسبی داشتیم وقتی می‌دیدیم که خود کشور دارد به سمت کاهش جمعیت پیش می‌رود نمی‌بایست سیاست‌های سخت و سخت کاهش جمعیتی را اجراء می‌کردیم.

وی افزود: درست است که سرشماری ۱۳۶۵ نسبت به ۱۳۵۵ نشان داد که علی‌الظاهر ۵۰ درصد رشد جمعیت ایجاد شده، ولی شروع کاهش نرخ باروری از سال ۶۳-۶۴ آغاز شده بود و ما تازه سیاست‌های ضد باروری را از سال ۶۸-۶۹ شروع کردیم. انگار ما یک گپ (شکاف) ۵ ساله از اتفاقی که دارد در جمعیت می‌افتد عقب بودیم. اگر ما آن اتفاق را درک می‌کردیم و تطبیق می‌دادیم با آنچه که در دنیا اتفاق افتاده اصلاً نیازی نبود که ما وارد این حجم سیاست‌های سنگین کاهش باروری شویم. در این مقایسه، ما تقریباً و بلکه تحقیقا رکورد بالاترین کاهش نرخ باروری را در جهان داریم؛ یعنی این اتفاقی که متوسط فرزندآوری یک خانم از حدود هفت فرزند برسد به زیر نرخ جایگزین در خیلی کشورها اتفاق افتاده ولی در کشورهای دیگر ۷۰ تا ۱۰۰ سال زمان برده، ولی در کشور ما در حدود یک دهه بلکه ۱۵ سال نرخ باروری کشور ما از ۶/۸ به حدود ۲ و بعد از آن به زیر دو رسید. این سرعت کاهش شدید رشد باروری دو چیز را نشان می‌دهد؛ یکی اینکه سیاست‌گذار ما در حالی که داشت سیل می‌آمد شروع کرد و موتورهای کشتی را هم به جریان انداخت و این سرعت رکوردی خیلی سریع باعث می‌شود که شاید ما در آینده‌ای نزدیک یکی از بدترین انواع حرم سنی جمعیت را تجربه کنیم که شاید هیچ کشوری تا حالا به این شکل تجربه نکرده است. خیلی کشورها هستند که به سالمندی رسیدند و حرم سنی آنها در مقطعی به هم خورده، ولی به خاطر سرعت شدید کاهش نرخ باروری در کشور ما این باعث می‌شود که ما خیلی بیشتر از کشورهای دیگر که گذار جمعیتی را پشت سر گذاشتند این قضیه خیلی شدیدتر است. نکته دیگر اینکه، وقتی ما به سیاست‌های کاهش جمعیتی در سال ۶۹-۷۰ شروع کردیم، در همان سال به سیاست‌های کاهش جمعیتی رسیدیم و به خاطر اینکه این سیاست‌ها در کشور ما خطی است و یک هوشمندی سیاستی اتفاق نیفتاده، سیاست‌هایی که واقعا زمان مند بوده و مستند به یک شاخصی هستند را زمان مند نمی‌دانیم. مقام معظم رهبریم مثالی زدند به این منظور که شما وقتی شیر آب را باز می‌کنید سدتان که پر شد باید شیر آب را ببندید. ما وقتی که شیر آب را باز کردیم با بارندگی خود سد پر شده بود ولی شیر آب را کسی نبست و ۲۰ سال بعد از آن شیر آب باز ماند. کاری که باید کرد این است که این زمان بندی سیاستی و این هوشمندی سیاستی را باید رعایت کنیم.

اردبیلی ادامه داد: نکته بعدی کرونا است؛ آماری که الان اعلام شده نرخ باروری سال ۱۳۹۸ را با روش‌هایی که الان به تفصیل وارد آن نمی‌شویم ۱/۷ اعلام کردند و من با اطمینان عرض می‌کنم که ما حتماً زیر ۱/۷ و حتی ممکن است زیر ۱/۶ باشیم؛ چون تصویر فرزندآوری زوجین ما از شواهدی که از جامعه بدست می‌آید، از اسفند ماه ۱۳۹۸ حتی تصمیم‌های قطعی فرزندآوری به تعویق افتاده است. بعضی معتقدند، چه اشکال دارد ما تصمیم فرزندآوری مان کاهش پیدا کرده ولی این در کلیت سنی جبران می‌شود. به این معنی که، در کشوری یک بحرانی اتفاق می‌افتد ولی سال بعدش موالید بیشتر می‌شود می‌گویند اینها که می‌خواستند فرزند بیاورند امسال نمی‌آورند ولی سال آینده دو برابر می‌آورند. اما پیک جمعیت سنی ما بچه‌های نیمه اول دهه ۱۳۶۰ (دهه اولی‌های ۶۰ یعنی ۶۱، ۶۲ و ۶۳‌ها) هستند و این پیک جمعیتی است که ما امید ویژه‌ای برای تعدیل حرم سنی در آینده به آنها داریم؛ همه اینها در آستانه چهل سالگی هستند. اینها اگر تصمیم فرزندآوری خود را دو سال به تعویق بیندازند به منزله کنسل شدن فرزندآوری آنهاست علاوه بر اینکه بالای ۴۰ سال شانس فرزندآوری خانم‌ها یک مقدار کم می‌شود. ماجرای کرونا ممکن است ۱۸ ماه تا دو سال طول بکشد.

وی در خصوص دلایل اصلی به تعویق انداختن فرزند آوری توضیح داد: یکی بحث اقتصادی است. خیلی از مشاغل یا در آمدشان کم شده و یا مشاغل با ثبات پایین کسب و کارشان به هم ریخته و از طرف دیگر عدم اطمینانی است که نسبت به پیش آمد های ۶ ماه آینده دارند گرچه ترجیح می دهند کارهایی که مستلزم سرمایه گذاری بلند مدت و ثبات است مثل فرزند آوری را به تعویق بیندازند. علت دوم، ذهنیتی که راجع به بارداری زن و حضور در مراکز درمانی هست برای پیگیری های حین بارداری. هر دوی اینها با سیاست گذاری صحیح و مشارکت های مردمی راه حل دارد. ولی می خواهم این نکته را عرض کنم که اگر ما تصور می کردیم در طی چهار سال گذشته ۲۷۰ هزار از موالیدمان کم شده به صورت سالانه تقریباً ۱۰۰ هزار امروزه خیلی سریعتر دارد اتفاق می افتد و این از اتفاقاتی است که صدای آن بعداً در می آید. از آذر و دی امسال ما با کاهش موالید روبرو خواهیم شد و برای امسال یک انعکاس سه ماهه دارد ولی در سال ۱۴۰۰ انعکاس عجیب و غریبی خواهد داشت و اگر آن موقع بخواهیم سیاست گذاری کنیم، نوش داروی بعد از مرگ سهراب است.

این کارشناس مسائل خانواده ادامه داد: کشورهایی که در تعدیل نرخ رشد باروری خود موفق بودند، تمام شاهکارهایی که انجام دادند باعث شده که نرخ رشد جمعیتشان برسد به حدود ۲ و بهترین آنها فرض بفرمایید که ایرلند و فرانسه باشد. بنابراین اگر ما تمام تلاشمان را هم که انجام دهیم این نرخ رشد در آستانه ۱/۵ درصد شدن کشورمان را برسانیم بالای ۲؛ در نتیجه اگر دولت ما در این زمینه کوتاهی نداشته باشد و مشکلات قانونی هم وجود نداشته باشد، ثبات شغلی و بیمه بیکاری وجود داشته باشد. اگر به ازای هر فرزند خانه بدهیم و یا حقوق بدهیم به ازای هر فرزند تازه می رسیم به نیمه بام نه تمام بام. کشورهای موفق نزدیک به دو دهه است که به یک ثباتی رسیدند در حدود ۱/۹ تا ۲ و تعدیلی که در این کشورها اتفاق افتاد، در دوران کرونا آمدند و به سرعت ایجاد ثبات اقتصادی کردند و به همه خانواده ها و خصوصاً به زوج های جوان و خانواده های فرزنددار حقوقی را معین کردند (حتی با وجود قرنطینه و خانه نشینی) و شرایطی را فراهم کردند که برای مادران باردار جهت حضور در محیطهای بیمارستانی مشکلی پیش نیاید مثل خدمات پرستاری و مامایی ۹ ماهه در منزل برای مادرانی که مشکلی ندارند. این اتفاقات در کشورهای اروپایی در کشور ما هم قابلیت وقوع دارد هم با سیاست گذاری سریع دستگاه های اجرایی و هم با مشارکت های مردمی و این الان باید اتفاق بیافتد و اگر دیر شود این چند ماه را از دست خواهیم داد.

سپس مروتی در خصوص کشورهای موفق در زمینه سیاستهای جمعیتی گفت: کشوری مانند ایرلند توانسته نرخ باروری را از ۱/۵ درصد برساند به ۱/۹ و حداقل به رشد جانمایی برسد و در این کشورها رشد جمعیت حرکت سینوسی دارد و بالا و پایین می رود و نهایتاً $\frac{1}{9}$ فرزند می رسد و خود این یکی از معضلات بزرگ غرب است و چون نمی توانند با رشد نرخ جمعیت مشکل جمعیت شان را حل بکنند، روی به مهاجر پذیری آوردند و عمده رشد جمعیتی که در اروپا اتفاق می افتد و جمعیت شان منفی نمی شود، ناشی از همین مهاجرپذیری است. نکته ای که خوب است اشاره شود در ماجرای کرونا، آسیبی است که کشورهای سالخورده دیدند. یعنی بسیاری از جمعیت شناسان در دنیا، آمار مرگ و میر به شدت زیاد برخی از کشورها را متناسب با ساختار سنی این کشورها می دانند مثل آمار که در مقایسه مرگ و میر دو کشور ایتالیا و کره جنوبی وجود دارد که زیاد بودن مرگ و میر در ایتالیا را به ساختار سنی به شدت سالخورده تر این کشور بر می گرداند و این نشان می دهد که کشورهایی که نوعی از توسعه یافتگی را دارند با چنین آسیب پذیری بزرگی روبرو می شوند.

وی افزود: نکته دیگر اینکه کشورهای غربی بر اساس فرهنگ خودشان مشوق هایی را اعمال می کنند. در فرهنگ مادی گرا نمی توان از خدا و پیغمبر حرف زد و گفت فرزند آوری داشته باشید و همین مسئله هم باعث شده که نهایت سقف فرزند آوری اینها همین حد جانمایی باشد یعنی $\frac{2}{1}$ یعنی دو فرزند. بسیاری از اینها هم اصلاً تشکیل خانواده نمی دهند و اگر کشوری مثل آمریکا دو فرزند به طور متوسط در هر خانواده به دنیا می آید به خاطر این است که قریب ۳۰ درصد از آمریکایی ها در طول زندگی اصلاً ازدواج نمی کنند. بسیاری از خانواده ها، خانواده ی قانونی نیستند و در سبک زندگی آنها خیلی کمتر فرزند آوری اتفاق می افتد. با وجود آمار مفاسد اخلاقی و هم جنس بازی، نرخ رشد جمعیت شان مثبت است. پس در سطح خانواده، فرزند آوری آنها به مراتب بیشتر از ما ایرانی هاست. هر چند که مشوقهای فرزند آوری قرار دادند و موفق نبودند و ناچار به مهاجر پذیری روی آوردند. اما ما ظرفیت های خیلی خوبی داریم مثل فرهنگ سازی راجع به عبارت «هر آن کس که دندان دهد نان دهد». اگر همین آموزه ها در ادبیات ما وجود نداشت، می بایست ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد هزینه می کردیم که در ادبیات و فرهنگ ما وارد شود و از آن استفاده کنیم که نرخ رشد باروری بالا برود. من معتقدم که اگر یک کار فرهنگی دقیق صورت بگیرد و یک حس مثبت نسبت به آینده کشور به وجود بیاید و یک امیدی در کشور ایجاد شود واقعاً ایران ظرفیت این را دارد که تا حدود سه فرزند در هر خانواده برسد. اینجاست که نشان می دهد آیا اسلام راه کار دارد برای این مسئله یا ندارد و به عقیده من برای این مسئله راه کار وجود دارد. فرهنگ اسلامی و ایرانی درون خودش این ظرفیت را دارد که ما به نرخ های باروری بالاتری برسیم و مقداری ترمز سالخورده شدن جمعیت را بکشیم.

مروتی گفت: مهاجرت در کشورهای غربی یک راهبرد است که هر چند خیلی زودتر از این مسئله استفاده کردند، ولی از کاهش نرخ رشد جمعیت پیشگیری کردند. خیلی از باروری های کشورهای مثل کشورهای آمریکای شمالی و کانادا نرخ رشد بسیار پایین باروری را تجربه نکردند، چون از سال ها پیش دو کار انجام دادند. یکی اینکه سیاستهای کنترل جمعیتی هیچ وقت با این حدت و شدتی که در کشورهای جهان سوم ایجاد شد و دارد انجام می شود، در این کشورها اتفاق نیفتاد یعنی هرگز با این الزام و اجبار و با این سطح گستردگی رایگان بودن لوازم پیش گیری اتفاق نیافتاد. البته در مقطعی برای سرخ پوستان این سیاست اتفاق افتاد، ولی برای عموم جمعیت اتفاق نیفتاده است. دوم اینکه، اینها داستان مهاجرت پذیری با گرین کارت و و تصویرسازی مثبت از سطح زندگی آمریکایی را سالهاست که روی آن سرمایه گذاری کردند. بوق و کرنای رسانه ای آنها جهان را گرفته و موجی که از کشورهای جهان سومی به سمت آنها جاری و ساری بوده و آنها آنجا نشستند با منت انتخاب می کنند این جوان نخبه، این آقای پول دار، یا به قولی ژن خوب ها را جدا می کنند.

پژوهشگر حوزه جمعیت تصریح کرد: به غیر از این دو اتفاقی که افتاده، هم مهاجر پذیری آنها و هم تصویرسازی مثبت از سطح زندگی، یک اتفاق دیگر هم اضافه کنیم که آن فرزند آوری های نامشروع و خارج از چارچوب خانواده است که این عدد و رقم در بعضی کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین (ایسلند) به ۶۰ درصد موالید یک سال می رسد. یعنی نه تنها به رسمیت شناختند، بلکه یک جور قهرمان سازی کردند. الان در کشورهای اروپایی سینگل مام بودن یک قدرت برای زن است. یعنی اگر در یک مجتمع آپارتمانی یک خانمی هست که ۲ یا ۳ فرزند دارد و اینها را دارد به صورت سینگل مام (تک والد) بزرگ می کند، به عنوان یک زن قدرت مند است که هم دولت حمایتش می کند و احساس می کنند او خیلی کار بزرگی کرده است. نه تنها تابو نیست و کسی خجالت نمی کشد که اینطوری است. اینها از سیاست هایی هست که ما در کشورمان نمی توانیم داشته باشیم و از آن استفاده کنیم در نتیجه ما بیشتر باید روی سیاستهای حمایت از خانواده برنامه پذیری کنیم. بخشی از سیاست هایی که به صورت جهانی استفاده می شود، در کشور ما و نه تنها در کشور ما بلکه در بعضی از کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا هم دارند از این سیاست استفاده می کنند مثل سیاست فرزند خارج از چارچوب خانواده؛ آنجا تابو است نه به اندازه کشور اسلامی ما ولی لاقول ارزش نیست. اینها متوقف شدند و سیاست های افزایش باروری را شش دانگ اجراء می کنند. کشوری مانند کره جنوبی مگر کم هزینه می کند روی افزایش باروری فرزند؟ اینها موفق نمی شوند. اینها در تله ی ناباروری پایین گیر کردند. بله ما باید چشممان قاعدتا به تجارب جهانی باشد؛ تجربه جهانی یک وجه مثبت برای ما دارد؛ ما بدانیم چه سیاستی اثر کرده در چه بافتی و در چه شرایطی و چه سیاستی اثر نکرده است. چه سیاستی بیشتر اثر می کند و چه سیاستی کمتر اثر می کند و اگر ما انرژی خود را بگذاریم، کنشگران جمعیت تمام انرژی خود را بگذاریم روی فضایی که در تمام دنیا بیشتر از ۱ دهم درصد جمعیت را تکان نداده است، این یعنی واقعا اسراف تمام انرژی و هزینه.

وی افزود: اما از طرف دیگر هم بدانیم که ما در بسیاری از راه کارهای آنها یا ممنوعیت داریم و اصلا نمی خواهیم وارد شویم و یا نمی توانیم وارد شویم. هر دوی اینها را اگر حذف کنیم تازه می فهمیم که ما باید راه کارهای بومی خودمان و متناسب با فرهنگ اسلامی خودمان را چگونه پیدا کنیم و نوآورانه و با ادبیات نو آورانه ی اجتماعی دست به یک حرکت بزنیم. مثل ایده های استارتآپی باید برای جمعیت اتفاق بیافتد؛ ایده هایی که باید بعدا در کتب جهانی نوشته شود که این ایده ها اولین بار در این کشور اجرا شد و گرنه ما می رویم در فضایی که خیلی از کشورها در تله ناباروری پایین گیر کردند، گیر می کنیم. الان هم خیلی دور نیستیم از آن فضا و نزدیکیم به ناباروری خیلی پایین. درباره مهاجرت پذیری اینکهاولا، این زندگی رویایی آمریکایی که برای اکثر مردم دنیا متصور شده را که ما ناگهان نمی توانیم پیش روی مردم دنیا بگذاریم و یا چنین سطحی از رسانه در اختیار نداریم و یا نمی خواهیم چنین تصویر کاذبی را برای مردم دنیا بوجود آوریم. در بحث مهاجر پذیری دو اتفاق وجود دارد که درمان کامل درد ما نیست: زیرا اولاً، مهاجرها عموماً در دنیا ممکن است شما مهاجر کشوری باشید که زاد و ولد در آنجا بالاست. در یمن الان نرخ باروری ۸ است؛ ما بگوییم خیلی خوب، اگر یمنی ها بیایند اینجا، افغانستانی ها بیایند اینجا، ما دیگر مشکلمان حل خواهد شد. در حالی که، در دنیا دقیقاً ثابت شده که مهاجرهایی که می آیند داخل بافت یک کشور بعد از یک نسل از الگوی باروری همان کشور و حتی گاهی پایین تر تبعیت می کنند. ما خودمان این تجربه را در کشورمان داشتیم و در اروپا هم دیده شده، طرف از کشوری با نرخ باروری ۸ می آید ولی نسل بعدش تنها یک فرزند می آورد و از خود کشور آمریکا کمتر فرزند می آورد. ثانیاً، یک جریان مهاجرت جهانی ما را تحت تأثیر قرار می دهد و مهاجرین ما که به یک سطح اجتماعی اقتصادی بالایی می رسند عموماً از الگوی مهاجرت برخی از نخبگان غرب زده ما تبعیت می کنند و به مهاجرت دوم دست می زنند. یعنی مهاجری که می آید اینجا و به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی رشد می کند، اینجا نمی ماند و مهاجرت دوم می کند به اروپا و ثالثاً، این اصل کلی گفته می شود که مهاجرپذیری ممکن است سال مندی یک جامعه را به تأخیر بیندازد اما فقط آن را به تأخیر می اندازد و درمان نمی کند. مثلاً اتفاقی که بنا بود یک سالی بیافتد با انبوهی از مهاجرپذیری ممکن است فقط یک دهه به تعویق بیافتد. ولی این درمان نمی کند. تازه جالب است، وقتی نرخ باروری اینها کاهش شدید پیدا

می کند، بعد از دو دهه و سه دهه که اینها به سن سال مندی می رسند، بچه های خودشان از عهده اینها بر نمی آیند و سنگینی آن دوباره روی کشور ما می افتد برای تدبیر سالمندی مهاجرهایی که پذیرفتیم ولی تعداد فرزندانشان کم است. رابعاً، بخش فرهنگی این قضیه خیلی جدی است. یکی از دوستان در اطریش می گفت: شما اصلاً نمی فهمید مهاجرپذیری چه دردسرهایی دارد! وقتی در کشورتان بعد از مدتی یک لهجه اصیل کشور خودتان نشنیدید تازه می فهمید مهاجرپذیری چیه؛ شما اصلاً تصویری از این ندارید که مثلاً سه تا خیابان رد شوید و تلفظ فارسی نشنوید. نمی توانید بفهمید که چه غربتی آدم را می گیرد.

مروتی با ارائه راهبردی برای جلوگیری از کاهش جمعیت گفت: اتفاق اصلی که باید بیافتد افزایش نرخ باروری است. تنها در صورتی که مردم کشور ما بخواهند و فرزند بیشتری به دنیا بیاورند مانع می شود که کشور ما سال خوده شود. درست است که دهه شصتی ها ۲۰ میلیون هستند ولی وقتی به سن سالخوده گی برسد ما بیش از ۳۰ میلیون جمعیت سال خورده خواهیم داشت. حالا این سی میلیون از ۸۰ میلیون یا از ۱۲۰ میلیون. آنچه مهم است سهم افراد سال خوده در جمعیت است که تعیین کننده سال خودگی جمعیت است نه تعدادشان. سوال اینجاست که چکار کنیم که نرخ باروری افزایش پیدا کند؟ باید بگوییم اگر بین اقتصاد و فرهنگ ناچار به انتخاب باشیم کدام اولویت دارد و البته ناچار به انتخاب نیستیم و مجموعه ای از سیاست ها نیاز است که هم زوایای اقتصادی دارند و هم زوایای فرهنگی. ولی اگر بخوانیم بدانیم کدام اولویت دارد به دلایل متعدد باید بگوییم فرهنگ اولویت دارد چرا چون بسیاری از خانواده ها که ثروتمند هستند و هیچ مشکل درآمدی ندارند از متوسط سطح جامعه فرزند آوری کمتری دارند. هر چند به خاطر مشکلات اقتصادی سال اخیر مردم فرزند آوری را به تعویق انداختند. مشکل اقتصادی گره ذهنی مردم هست تا حقیقت علت کم فرزند آوری آنها.

وی افزود: علت اصلی که باعث شده ما از ۶/۵ فرزند برسیم به ۲/۵ فرزند، بحث فرهنگی است. یک مطالعه ای که در سال ۱۳۹۹ پژوهشکده آمار انجام داد از زوجینی که کلاسهای قبل از ازدواج را شرکت می کردند می پرسیدند که شما چه مقدار فرزند دوست دارید خانمها گفته بودند ۲/۲ دهم فرزند و آقایان گفته بودند ۲/۴ دهم فرزند و کسانی که بیش از ۰ سال از زندگی آنها گذشته بود به طور متوسط ۲/۸ دهم فرزند می خواستند. حالا ما اگر حد وسط را در نظر بگیریم میشود ۲/۵ فرزند حالا اگر شما تمام مشکلات اقتصادی را حل کنید اقتصادتان خیلی خوب شود و ناباروری صفر شود، طلاق صفر شود. سدی به نام سزاریان وجود نداشته باشد برای کسانی که می خواهند بیش از سه فرزند سزاریانی بوجود بیاورند، تمام اینها که حل کنید ۲/۵ فرزند محقق می شود (چنین چیزهایی محال است) و این ۲/۵ مانع سال خوردگی کشور ما نخواهد شد. یعنی بسیاری از راه کارهایی که تأکید می شود بر آن روی مسئله جمعیت و ما اصرار داریم بر آنها همین ۱/۸ دهم تا ۱ دهم فعلی را پر می کند تا ۲/۵ فرزند را. اما آن اتفاق اصلی که باید بیافتد این است که این ۲/۵ تکان بخورد یعنی مردم تعداد فرزند بیشتری بخواهند و تا این اتفاق نیافتد، تمام تلاش های ما از ۱/۸ دهم تا ۲/۵ ثمر داده و این کار را به جایی نمی رساند. من یک تقسیم بندی کاملاً ذهنی و به قول علماء ارتکازی انجام دادم که سه گروه از عواملی که در افزایش نرخ باروری تأثیر داشته را دسته بندی کرده است؛ یک گروه راه کارهایی است که که امکان تحقق ۲/۵ فرزند را فراهم می کند مثلاً وضع اقتصادی خوب شود امکان تحقق این فراهم می شود و یا سزاریان برداشته شود امکان تحقق نرخ باروری به ۲/۵ فرزند فراهم می شود. گروه دوم راه کارها، راهکارهایی است که واقعا منجر به تحقق همین ۲/۵ فرزند می شوند. مثلاً ناباروری را ما به هر میزان بتوانیم حل بکنیم کمک می کند به تحقق همین ۲/۵ فرزند. چون کسانی که ۲/۵ فرزند را می خواهند و مشکیشان حل می شود باعث تحقق این ۲/۵ فرزند می شود. راهکارهای گروه سوم این است که، خود این ۲/۵ فرزند را ارتقاء می دهد و کاری می کند که مردم تعداد فرزند بیشتری را بخواهند.

مروتی اضافه کرد: اما اولویت با همین گروه سوم است ذیل گروه سوم مقابله با تک فرزندی تعریف می شود چون کسانی که فرزند می خواستند و تک فرزندی هستند با همانها شدیم ۲/۵ فرزند اگر شما مضرات تک فرزندی را به آنها بگویید تعداد بچه بیشتری می خواهند و این ۲/۵ ارتقاء پیدا می کند. پس زدن تک فرزندی و کار فرهنگی در این زمینه خیلی محسنات دارد و یا سقط جنین که ریشه ای ترین دلیلش در کشور ما بحث باروری ناخواسته هست و همین الان در کشور ما ۲۰ درصد بچه هایی که به دنیا می آیند، باعثش باروری ناخواسته است و این به برکت این است که در فرهنگ ما سقط جنین یک جنایت به حساب می آید و می شود گفت که عموم مردم نسبت به سقط جنین موضع منفی دارند. تا این مسئله حل نشود، حل مسئله سال خوردگی جمعیت محال است. در ذیل این مبحث بنده یک سری راه کار فرهنگی دارم که نیاز به مطالعه دارد. در حدود ۱۰ سالی که مسئله کاهش جمعیت مطرح هست ما هنوز هیچ مطالعه ای نداریم که بدانیم علت کم فرزند خواهی مردم چیست؟ چه نگرشی در آنها بوجود آمده که فرزند کمتر برای آنها مطلوب شده. است چه چیز باعث شده که داشتن ۲ فرزند یا ۳ فرزند تبدیل به ضد ارزش شود. یک نگرش سنجی سطحی و یک مطالعه ی خوبی در این زمینه اتفاق نیافتاده است. یک پرسشنامه نداریم که بسنجیم فرهنگ باروری در بین ایرانی ها چگونه است. تعریفی از فرهنگ باروری نداریم. من مطالعه ای ندیدم که در سطح کشور انجام گرفته باشد

که از دل آن بتوانیم اولویت کار فرهنگی را استخراج کنیم. می شود الان صدها کار فرهنگی ذیل موضوع بحث جمعیت تعریف کرد. چنین چیزهایی دغدغه های پژوهشی هست که متأسفانه جامعه دانشگاهی ما به دلایلی به این سمت نرفته است.

اردبیلی سپس در ادامه بحث گفت: دو پیشران اصلی از بین تمام پیشران هایی که داریم را می توانیم بگوییم پیشران های مهم تری هستند به خاطر اینکه آینده جمعیتی ما را شکل می دهند و برآن مؤثرند یکی پیشران اقتصادی است، یکی هم پیشران فرهنگی و سبک زندگی. بحث اقتصادی را نمی توانیم نادیده بگیریم. نگرانی در بین زوجین جوان ما مبنی بر اینکه از عهده مخارج فرزند بر بیایند یا نه، وضعیتشان با ثبات باشد، مسکن داشته باشند یا نداشته باشند و یا حداقل به صورت استیجاری برایشان تأمین باشد. شما حالا ببینید این واقعیت جامعه است. صاحب خانه به چند فرزند خانه اجاره نمی دهد. صاحب خانه ایده آتش زوج جوان است. نهایتش با یک فرزند. حتی گاهی شرط می کنند در قرارداد که اگر فرزند شما شد دو فرزند باید خانه را خالی کنی. اتفاقی که در خانه ها افتاده خیلی جالب است در همین قم خانه هایی که به هم متصل بوده و چهار خوابه بوده تفکیک کردند و دو یا سه واحد کردند تا بتوانند به زوجین جوان فقط اجاره بدهند. پس پیشران اقتصادی مهم است. من وقتی میرم مجلس و با مجلسی ها صحبت می کنم به آنها می گویم ببخشید شما الان به پیشران اقتصادی فکر کنید فرهنگ با ما خانواده ها. شما یک کاری کنید و تسهیل کنید این قضیه را برای مردم. چرا خانواده های ما ۲/۶ فرزند می خواهند ولی ۱/۷ محقق می شود. یک فرزند خیلی حرف می زند. چرا دولت شرايطی را فراهم نمی کند که مردم همان تعداد فرزندى که می خواهند محقق کنند.

وی افزود: در کشورهای اروپایی گپ بین فرزند خواسته و فرزند محقق شده بسیار ناچیز است و حتی ما کشور داریم که فرزند محقق شده بیشتر از فرزند خواسته است. یعنی طرف ۲/۷ فرزند می خواسته ولی سیاست های تشویقی چنان اینها را موج داده که ۳ فرزند آورده است. این داستان مهمی است. این را ما نباید از آن غافل شویم همین الان ما بیست سال از سیاست های مشوق فرزند آوری عقب هستیم. بیست سال در بهترین فرصت پنجره جمعیتی مان بودیم و هیچ سیاست درست و حسابی برای تشویق مردم نداشتیم. تشویق اقتصادی را عرض می کنم همه هم نیاز نیست که بگوییم دولت پول ندارد. فت چنین است و چنان است. زیرا کشوری مثل سنگاپور آمده و سیاست های مشوق اقتصادی را به تأخیر انداخته و گفته شما بچه را به دنیا بیاور ما هزینه های دبیرستان و دانشگاه فرزند شما را می دهیم. ما هم بیاوریم بگوییم هر بچه ای که امسال به دنیا آمد، هزینه های شهریه بچه سوم و چهارم به بالای آن رایگان است در این صورت ملت می روند به سمت فرزند آوری. سیاست هایی که کوتاه مدت هستند و فقط اسم فرزند آوری را مقطعی نشانه می گیرند، اینها کمترین تأثیر را در دنیا داشتند. سیاست های بلند مدت تر، طولانی تر و غیر مستقیم تر اتفاقا بیشتر اثر داشته است. یعنی شما بوجه ای که می گذارید برای حمایت از خانواده مثلا برای انعطاف محیط کار و خانه برای خانم ها اینکه بتوانند پاره وقت کاری کنند این بیشتر اثر دارد تا سیاست های مشوق جمعیتی. پیشران فرهنگی مهمتر است و خیلی هم مهمتر است ولی این نباید معنایش این بشود برای سیاست گذار که بگوید فرهنگتان را درست کنید مردم می روند به سمت فرزند آوری. این نمی شود باید یک اقداماتی در سیاستهای اقتصادی ما اتفاق بیافتد مثل تأمین مسکن. مگر ما چند خانواده ی بالای پنج فرزند داریم. دولت بگوید که ما تضمین می کنیم که ما خانواده های بالای ۴ فرزند را با مکانیزم های مختلف مانند وام و ملک دادن، در اختیار قرار دادن زمین در شهرستان و ... ظرف ده سال آینده صاحب مسکن می کنیم. ولی به جای این سیاست ها، سیاست های ضد جمعیتی هم می بینیم. در دنیا هم دیده نشده که دولت بگوید که ما یارانه بالای سه فرزندها را نمی دهیم یا به سختی می دهیم. سیاست اقتصادی مهم است به نظر من با این عقب ماندگی که داریم، قانون گذار و مجری انرژی عمده خود را باید بگذارند روی مشوق اقتصادی و به جد و جهد این را تأمین کنند. پیشران فرهنگی هم مهم است، زمینه است برای پیشران اقتصادی؛ هر چه سیاست اقتصادی شما محقق کنید و پیشران فرهنگی فراهم نباشد یعنی الان بالاتر از این ۲/۷ که مردم می خواهند محقق نمی شود حقیقتا مگر اینکه فرهنگ را تغییر دهیم.

این کارشناس مسائل خانواده گفت: چرا می گوییم فرهنگ پیش نیاز است چون همان طبقه اجتماعی اقتصادی بالا دهک بالای اقتصادی کمترین فرزند را دارد می آورد و این نشان می دهد که همه اقتصاد هم اگر فراهم باشد لزوما منجر به فرزند آوری نمی شود. در واقع این مطلوبیت فرزند آوری، زیبایی فرزند آوری است. یا برعکس، بعضی خانواده ها فرزندشان را دوست دارند ولی دچار فرزند هراسی شده اند. برخی از زوجین جوان ما یعنی این قدر در بحث فرزند پروری کمال گرا شده که می ترسند به سراغش بروند. وقتی شما از زوجین می پرسى چه جور بچه ای می خواهی می گوید من همه چیز براش فراهم می کنم. کاری که خودم و خانم به خواب ندیدیم می خواهم برای بچه ام فراهم کنم. خوب چرا بچه نمی آورید؟ خوب هنوز نمی توانیم آن کاخ رویاهای خودمان برای بچه را فراهم کنیم. این قدر کمال گرایی افراطی الان رواج پیدا کرده که دچار فرزند هراسی شده ایم. بچه هم که به دنیا می آید پس از مدتی می بیند که پدر و مادرش دچار فرزند هراسی هستند. یک دوری بر می دارد و یک سلطنتی می کند که پدر و مادر از آوردن بچه دوم رسماً پشیمان شوند.

وی افزود: بحث تصویر از تعداد فرزند، اصلاً پادشاهان رفته زوجین جوان ما که امکان پذیر است که در خانه بالای سر فرزند ببینند. ۲ فرزند را تصویر دارند و به زور ۳ فرزند و بالای ۳ هیچ تصویری در ذهنشان نیست شما اگر بگویید پنج فرزند دارم یا بگویید ۴۵ فرزند دیگر فرقی نمی کند کلاً شما موجود عجیب الخلقه &irm؛ ای هستی. تصویر محتمل و ممکن خیلی روی تصمیم ما اثر می گذارد. نهایت تصمیم من دوتا است حالا من یکی را می آورم. خرافه هایی که به عنوان فکت علمی وارد جامعه ما داده شده از سیستم بهداشت، از روان شناس و از جاهای مختلف رفرنس می دهند در حالی که در دنیا پذیرفته نیست. چه کسی گفته که ازدواج باید در این سن اتفاق بیافتد الان دغدغه یک مملکت ما باید این شود که ازدواجهای ما سنش پایین است در صورتی که عمده ازدواجهای ما در این دهک اتفاق می افتد. اینکه به دختران گفته می شود که تحصیلت را باید تمام کنی بعد ازدواج کنی. در سنگاپور جالب است که نوشته بودند که کار و تحصیلت را چرا با زوجت شروع نمی کنی؟ ما حمایت می کنیم. دل تو دل جوان باید گذاشت که اتفاقاً در شروع دانشگاه برو و همسرت را انتخاب کن. اتفاقاً تو در طول دانشگاه برو و بچه ات را به دنیا بیاور ما حمایت می کنیم هر کدام از زوجین دانشجو بچه دار شدند، ما به او خانه می دهیم. خرافه بعدی این است که، شما ازدواج کردی چهار یا پنج سال بعد از ازدواج باید فرزند بیاورید. دقیقاً در همین چهار پنج سال است که بیشترین طلاق اتفاق می افتد و ثابت شده در پژوهشها زوجینی که در پنج سال اول بچه به دنیا می آورند کمتر طلاق می گیرند و زوجینی که بچه نمی &irm؛ آورند و دارند بررسی می کنند که اوضاع چگونه است طلاق در آنها بیشتر است. بحث بعدی فاصله بین فرزندان است. این هم خرافه هست. بله باید توجه داشت به ذخایر بدن مادر به وضعیت تغذیه مادر اینها مهم است ولی چه کسی گفته که فاصله بین دو فرزند بالای پنج سال به سلامت مادر و فرزند کمک می کند.

اردبیلی تصریح کرد: جالب است ما در جامعه ای زندگی می کنیم که از دهه ۱۳۵۰ تا حالا امید به زندگی از ۵۰ و چند سال رسیده به ۷۰ و چند سال. ۲۰ سال طول زندگی آدمها زیاد شده ولی این ۳۵ ساله تکان نمی خورد. معلوم هست که یک ماجرای است و این واقعاً یک خرافه است. این داستان داستان ساده ای نیست. این پنج خرافه ای که من خدمتان عرض کردم، تمام دنیا سن باروری مادران را ۵ تا ۴۵ سال نوشتند حالا ما اگماض می کنیم می گوئیم ۸ تا ۴۰. کمترین سن ازدواج دختران در ایران ۲۷ سال است و ما این را تبدیل کردیم به ۲۱ یا ۳۲ سال با همین خرافات طرف ۲۷ سالگی ازدواج می کند و چهار سال هم باید بگردد که ببیند اوضاع چطور است فردا صبحش هم که باردار شود میشود ۳۱ سال. ۲۵ سالگی هم که باید از بچه داری جلوگیری کنند همیشه چهار سال و در این چهار سال خیلی که هنرمند باشند دارای دو بچه می شوند. الان نیز در جامعه ما طوری رایج شده که زوجین جوان قائلند که باید بچه اول به مدرسه برود تا بچه دوم لطمه نخورد در حالی که بدترین نوع بچه داری را دارند برای خودشان انتخاب می کنند. خانمی که می خواهد تحصیلات داشته باشد و یا شغل داشته باشد معلوم است که دو بچه هم زمان برایش راحت تر است تا یک بچه تک فرزند که ۲۴ ساعته آویزان پدر و مادر است. وقتی می گویند که بچه ی ما برود مدرسه و بعد دومی را بیاوریم فاصله دو بچه می شود ۸ سال و از نظر روان شناسی هشت سال اختلاف، تجربه دو تا تک فرزند است چون فاصله آنها طوری است که نمی توانند به صورت چند فرزندی با هم رشد کنند. زنان جامعه ما سخت ترین نوع فرزند آوری را هم انتخاب می کنند و بعد هم خسته می شوند و بعد نمی خواهند بچه داشته باشند. آنچه که راجع به ۲۷ سال سن ازدواج گفتم الگوی زوجین ما در کلان شهر هاست. آقایان بالای ۳۰ سال هم حتی رسیده و خانم ها ۲۷ سال. در کل کشور آقایان ۲۷ یا ۲۸ سال است و خانمها ۲۳ یا ۲۴ سال ولی باز هم وقتی که چهار سال گشتند و فاصله ۴ سال اول تا دوم را که حساب کنیم باز به سختی اینها دو فرزند می آورند. اینها خرافه هایی است با یک علمی. این خرافه ها شانس خانم ها را در باروری کاهش می دهد.

وی در خصوص موضوع سقط جنین توضیح داد: سقط جنین در کشور ما غیر قانونی هست ولی تابو نیست. ۳۵۰ هزار سقط جنین. همین الان در کشور ما هزار جنین سقط می شود. بدون دلیل پزشکی و بدون دخالت پزشک و با تصمیم شخصی اختیاری، دل بخواهی یک زوج. در هر جای جهان اگر هزار بچه بمیرد عزای عمومی اعلام می شود ولی در کشور ما هیچ اتفاقی زخ نمی دهد چرا چون عبارت قتل نفس تبدیل شده به انداختن بچه. حتی از زوج هایی که نسبتاً متدین هم هستند می شنویم که بچه را انداختیم. توبه هم کردیم بعدش. چرا؟ ما می خواستیم سال بعد بچه دار شویم. در جامعه ما تابو شکسته و فرهنگ شده، عادی شده است. فرض کنید خانمی که حامله است و کنکور دکتری دارد تمام دوستانش به او می گویند بابا برو بیانداز خراب میشه امتحانت. به این راحتی با عبارت بیانداز. بحث ناباروری بحث خیلی مهمی است ما حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد زوجهای جوانمان بچه می خواهند ولی نابارورند. ما تکنولوژی ها و فناوری هایی که ناباروری را کاهش می دهد و مراکز ناباروری ما تقریباً هر زوجی را می توانند بچه دار کنند ولی این قدر هزینه های آن سرسام آور است و این قدر شرایط سختی به آنها تحمیل می شود. ۵ تا ۲۰ درصد از زوجهای ما می خواهند بچه بیاورند ولی بیمه ها پوشش نمی دهد. بله مصوب کردند پوشش بیمه را فقط برای یک بچه که آن هم درست و حسابی اجراء نمی شود. ما خیلی از تولدهای فرزندانمان را این طوری از دست می دهیم.

مروتی در ادامه این برنامه گفت: در زمینه اینکه حقیقت مشکلات اقتصادی است اظهر من الشمس است. تردیدی در این که مشکلات اقتصادی وجود دارد نیست. یک جلسه ای داشتم در سال ۹۳ و صحبت می کردم راجع به جمعیت برای خانم های یکی از مناطق شهرداری تهران. خانم های کارمند گله کردند از وضعیت اقتصادی که هم خودم کار می کنم و هم همسرم و از پس مخارج خانه بر نمی آیم و در یک خانه ۴۰ متری زندگی می کنیم با این وضعیت می شود فرزند دوم آورد؟ بعدش هم کلی گله کردند از شرایط جمعیتی. من از آنها یک سوال پرسیدم گفتم مشکلات را هم که خودم هم دارم و همه را هم مطلع هستم ولی من یک سوال می پرسم منصفانه جواب بدهید اگر تعداد فرزندان تکمیل است حالا یکی دارید دو تا دارید و یا سه تا و می گوئید دیگه بچه نمی خواهم توی قرعه کشی شرکت می کنید و برنده خوشبخت ۳۰۰ میلیون پول نقد می شوید کدام یک از شما بعد از گرفتن این پول به این فکر می کند که الان می توانم یک بچه اضافه کنم همه کسانی که در حال غر زدن بودند به فکر فرو رفتند و یکی از آنها گفت به ما یک میلیارد هم بدهند دیگر بچه نمی آوریم. من به آنها گفتم شما این پول را می گیرید و می روید ماشینی که دارید را تبدیل به احسن می کنید این پول آهن می شود ولی بچه نمی شود. خانه ات را بزرگتر میکنی، آجر می شود ولی بچه نمی شود. مبلمان منزلت رو عوض می کنی، چوب می شود ولی بچه نمی شود. من هنوز هم معتقدم همین مسئله است تا ضد ارزش بودن فرزند بیش از دو سه تا شکسته نشود ما هر چه قدر در مسئله اقتصاد پیشرفت کنیم اتفاقی قرار نیست بیافند اگر صاحب خانه ها به کسانی که بیشتر از سه فرزند داشته باشند خانه نمی دهند عمده ی آن ناشی از مسائل فرهنگی است چرا؟ چون فرض آن شخص ۵ فرزند داشته باشد آن ۵ تا فرزند ۳ تاش بزرگند آنها که سر و صدایی ندارند و آزاری ندارند و همان یک بچه کوچک است که در خانه می دود و سر و صدا می رود در طبقه پایین. پس طرف چه ۵ تا بچه داشته باشد چه دو تا فقط یکیش می خواهد بدود و سر و صدا کند پس همه ی اینها بر میگردد به مسائل فرهنگی. همان طور که خانم دکتر فرمودند، ما وقتی با مسئولین فرهنگی که می نشینیم راجع به فرهنگ با آنها بحث می کنیم. خواهشی که از آنها داریم این است که در مسائل فرهنگی ورود نکنند. ما در آنجا بحث از مسائل اقتصادی می کنیم و می گوئیم مشکل اقتصاد مردم را حل کنید به گونه ای که در راستای سیاست های جمعیتی باشد. تا حدی فرموده ی خانم دکتر در این مسئله درست است خیلی از مشوقهایی که لازم است نیاز به هزینه ای ندارد مانند زمینهایی که دولت می تواند در اختیار مردم قرار دهد. به نظر من مشوق های اقتصادی با کار و ساز فرهنگی اثر می گذارد. چرا؟ کشوری مثل فرانسه می آید ۵ درصد از تولید ناخالص ملی خودش را اختصاص می دهد در جهت سیاست های جمعیتی؛ ما نه کشور توسعه یافته هستیم، قدرت اقتصادی فرانسه را نداریم و مسئولین ما چنین عزمی در مسئله جمعیت ندارند و بفرض هم که اختصاص دهیم چقدر از هزینه بچه پوشش داده می شود. یعنی این نیست که دولت توان این را داشته باشد که تمام هزینه بچه را بر عهده بگیرد این مشوق هایی که یک کشور غیر توسعه یافته می تواند در نظر بگیرد صرفا امید می دهد به مردم یعنی با ساز و کار فرهنگی اثر بخش است مشوق هایی که یک دولت اسلامی برای مردم در نظر می گیرد مشوق ساز است و می تواند نظر مردم را نسبت به فرزند آوری تغییر دهد پس عمده بحث اقتصاد از معبر مسائل فرهنگی است اگر بخواهد کار را به ثمر برساند باز می گوئیم تمام مشکلات اقتصادی که وجود دارد تمام مردم همه مشکلات را در حد ۲ فرزند تحمل می کنند. و در مورد آن ۲/۷ هم که خانم دکتر فرمودند را تکمیل کنم در آن مطالعه زوجینی که رجوع کردند ۲/۲ و ۲/۴ بودند. خانم های ۱۵ تا ۴۹ ساله شوهردار متوسطشان ۲/۸ است که اکثر اینها می شوند جمعیتی که ۲۵ سال تا ۴۹ سال دارند که اینها با تفکر کنترل جمعیت بزرگ نشدند و ممکن است تفکر بیشتر فرزند خواهی را تا حدودی حفظ کرده باشند با همه اینها ما شدیم ۲/۸ یعنی ۲/۳ که متوسط زوجین است به واقعیت فرزند خواهی مردم الان نزدیک تر است و ما با اغماض گفتیم ۲/۵ همین هم گفتم در بازه ۹۰ تا ۹۵ دو تاش موفق شده و میماند این نیم فرزند که با توجه به اینکه طلاق و ناباروری صفر شدنش محال است همه اینها را که در نظر بگیریم ۲/۳ بچه است و این باعث می شود که در مرور زمان نرخ رشد جمعیت ما صفر نشود ولی هیچ خاصیتی در زمینه جلوگیری از سالخودگی جمعیت ندارد.

وی افزود: یک نکته ای هم در حضور خانم دکتر مطرح کنم آن آمار ۱۵ الی ۲۰ درصد نابارور بودن زیر سوال است. مطالعاتی که در زمینه جمعیتی صورت گرفته کسانی که از ابتدای زندگی تا انتهای باروری باردار نشدند و الان از سن بارداری خارج شدند قریب ۵ درصدشان نابارورند. این ۱۵ تا ۲۰ درصد جمع ناباروری اولیه و ثانویه است. با چه تعریفی با تعریف پزشکی مسئله. ما یک قرارداد داریم و می گوئیم اگر زوجین یک سال اقدام کردند برای باروری و باردار نشدند بعد از یک سال رجوع کنند به پزشک. عمده خاصیت این مسئله این است که چه موقع طرف باید به پزشک مراجعه کند ولی برای سیاست گذاری در سطح جامعه کشورهای مختلف دنیا تعریف های دیگری ارائه می دهند و می گویند در صورتی باید دولت حمایت بکند که ۲ یا ۴ سال اقدام کرده باشند چون بسیاری از افرادی که در لیست ۱۵ تا ۲۰ درصد هستند بدن هیچ درمانی سال بعد باردار می شوند. من مطالعه ای دیدم که در آمریکا برای ۷ سال سنجیده بودند یعنی معیار ناباروری را ۷ سال اقدام برای فرزند دار شدت دانسته بودند.